

The relationship between Operating Cash Flows and the Dynamic Optimal Capital Structure Spee: The Role of Corporate Governance

Soheila Ramezanpour¹, Mehdi Zolfaghari², Reza Zarei³

Received: 2019/12/09

Accepted: 2020/04/04

Research Paper

Abstract

The corporate governance determines relations among executive managers, stockholders, board of director and others that consider four main goals between executive managers and board of director and against stockholders and other stakeholders included accountability, transparency, justice and neutrality and responsibility. We divide companies in two categories: strong corporate governance companies and weak corporate governance companies to analyze the effect of operating cash flows on leverage structure dynamics. The main objective of present study is to investigate the linear relationship between corporate governance, operating cash flows and dynamic capital structure. The statistical sample includes 94 companies during the period from 2010 to 2017 based on filtering and systematic omission process, and we analyze the relationship between variables by generalized least square and panel data method. The result shows that there is a significantly positive relationship between operating cash flows and dynamic capital structure. Moreover, the results show that there is a significantly positive relationship between operating cash flows and dynamic capital structure in companies with strong corporate governance and dynamic capital structure.

Keywords: Corporate governance, Dynamic capital structure, Operating cash flows.

JEL classification: M41.

DOI: 10.22051/jaasci.2021.26218.1506

¹ MSc Student in Accounting, Kooshar High Tech Educational Institution, Rasht, Iran.
Corresponding Author (Ramzanpoor1992@yahoo.com)

² Assistant Professor of Accounting, Islamic Azad University, Someh Sara Branch, Someh Sara, Iran(zolfaghari.mhd@gmail.com(zolfaghari.mhd@gmail.com))

³ Assistant Professor of Statistic, University of Guilan, Rasht, Ira(rezazarei.r@gmail.com)

jaasci.alzahra.ac.ir

نقش حاکمیت شرکتی در رابطه بین جریان‌های نقدی عملیاتی و سرعت تعدیلات ساختار سرمایه پویا در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران

سهیلا رمضانپور^۱، مهدی ذوالفقاری^۲، رضا زارعی^۳

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۲/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۶/۲۳

مقاله پژوهشی

چکیده

حاکمیت شرکتی به مجموع روابط میان مدیران اجرایی، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر طرف‌های مربوط می‌پردازد و عمدتاً چهار هدف اساسی را در ارتباط با روابط هیئت‌مدیره و مدیران اجرایی در قبال یکدیگر و در برابر سهامداران و سایر ذینفعان شرکت مدنظر قرار می‌دهد که عبارتند از: پاسخگویی، شفافیت، عدالت و بی‌طرفی و مسئولیت‌پذیری. ما در این پژوهش بر اساس اصول حاکمیت شرکتی، شرکت‌ها را به دو دسته شرکت‌های با ساختار حاکمیتی قوی و ضعیف تقسیم کرده تا تاثیر جریان‌های نقدی عملیاتی را بر پویایی و سرعت تعدیلات اهرمی را در هر دسته از شرکت‌ها بسنجیم. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی ارتباط بین حاکمیت شرکتی و جریان‌های نقدی عملیاتی با ساختار سرمایه پویا است. جامعه آماری پژوهش شامل شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. بر این اساس تعداد ۹۴ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶، از بین جامعه آماری به روش حذف سیستماتیک انتخاب شد و روابط بین متغیرهای پژوهش با استفاده از داده‌های تلفیقی ایستا و روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار بین جریان‌های نقدی عملیاتی با ساختار سرمایه پویا بود. همچنین، نتیجه فرضیه دوم نشان داد رابطه مثبت و معنی‌داری بین جریان‌های نقدی عملیاتی در شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی و ساختار سرمایه پویا وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: ساختار سرمایه پویا، حاکمیت شرکتی، جریان‌های نقدی عملیاتی

طبقه‌بندی موضوعی: M41

DOI: 10.22051/jaasci.2021.26218.1506

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی کوشیار، رشت، ایران، نویسنده مسئول،
(Ramzanpoor1992@yahoo.com)

^۲ استادیار حسابداری، دانشگاه آزاد صومعه‌سرا، صومعه‌سرا، ایران، (zolfaghari.mhd@gmail.com)

^۳ استادیار آمار، دانشکده علوم ریاضی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران، (rezazarei.r@gmail.com)

مقدمه

وجود حاکمیت شرکتی مطلوب از آسیب‌پذیری بازارهای در حال توسعه از جمله بازار ایران در مقابل بحران‌های مالی می‌کاهد و بیش از هر چیز حیات سالم بنگاه اقتصادی را در بلندمدت هدف قرار می‌دهد و به این خاطر درصدد است تا از منافع سهامداران در مقابل مدیریت سازمان‌ها حفاظت به عمل آورد. بر این اساس، نقش برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی را در رابطه بین جریان‌های نقدی عملیاتی و پویایی ساختار سرمایه، به عنوان فرضیه مطرح در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است. در یک دیدگاه کلی ترکیب ساختار سرمایه یک شرکت به مراتب دارای اهمیت بیشتری نسبت به اندازه آن شرکت است (آی بار آریاس و همکاران ۲۰۱۲). اقتصاددانان اغلب تصور می‌کنند حاکمیت شرکتی با تحت فشار قرار دادن شرکت‌ها به کاهش کاستی‌ها و قصور مدیریتی، مدیران را مجبور می‌کند عملکرد بهتری از خود نشان دهند؛ علی‌رغم جذابیت شهودی این موضوع، هنگام عملی کردن این اعتقاد که حاکمیت شرکتی قوی باعث کم شدن کاستی‌های مدیریتی می‌گردد، اثرات دوجانبه و مبهمی از نظر ادبیات نظری آشکار می‌گردد (هیمن و همکاران ۲۰۱۲). بنابراین، ممکن است شرکت‌های با ساختار حاکمیتی ضعیف مدیران را تشویق کنند تا انگیزه قوی‌تری (یا ضعیف‌تری) برای حداکثر کردن ثروت سهامداران داشته باشند و بدین طریق باعث افزایش (یا کاهش) سرعت تعدیلات و پویایی آن‌ها برای رسیدن به ساختار سرمایه بهینه گردند. این افزایش (کاهش) در نهایت منجر به کاهش (افزایش) فاصله سرعت تعدیلات (پویایی)، بین شرکت‌های با ساختار حاکمیتی قوی و ضعیف می‌گردد. بنابراین، تاثیری که کیفیت حاکمیت شرکتی بر پویایی تعدیلات سرمایه می‌گذارد، کماکان یک سوال تجربی باقی می‌ماند (پالاسین و همکاران ۲۰۱۳).

در این پژوهش بر اساس اصول حاکمیت شرکتی، شرکت‌ها به دو دسته شرکت‌ها با ساختار حاکمیتی قوی و ضعیف تقسیم شده‌اند تا پویایی و سرعت تعدیلات اهرمی در هر دسته از شرکت‌ها سنجیده شود. انتظار این است که در شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی قوی، پویایی سرعت تعدیلات بیشتر از شرکت‌های با ساختار حاکمیتی ضعیف، باشد.

مبانی نظری

مهم نیست که اندازه شرکتی بزرگ است یا کوچک! مهم این است که ساختار سرمایه آن شرکت چه ترکیبی دارد. ساختار سرمایه از اول مهم بوده و در آینده هم مهم خواهد بود. مدیران باید هنگام اتخاذ تصمیمات تامین مالی، پویایی ساختار سرمایه خود را نیز در نظر داشته باشند. هنگام تجزیه و تحلیل پویایی ساختار سرمایه، میزان جریان‌ات نقدی عملیاتی، عامل تعیین کننده خواهد بود. حاکمیت شرکتی به طور کلی، به مجموع روابط میان مدیران اجرایی، هیئت مدیره، سهامداران و سایر طرف‌های مربوط می‌پردازد و عمدتاً چهار هدف اساسی را در ارتباط با روابط هیئت مدیره و مدیران اجرایی در قبال یکدیگر و در برابر سهامداران و سایر ذینفعان شرکت مدنظر قرار می‌دهد: پاسخگویی، شفافیت، عدالت و بی‌طرفی و مسئولیت‌پذیری. هیئت مدیره، به عنوان یکی از اصول اصلی داخلی حاکمیت شرکتی، نقش اساسی در نظارت بر رفتار مدیران و مشاوره دادن به آن‌ها در تعیین و اجرای راهبرد ایفا می‌کند. این در حالی است که اصول دیگری از قبیل ساختار مالکیتی و وجود سهامداران عمده و نهادی نیز در حاکمیت شرکتی مناسب مؤثر هستند. علی‌رغم پژوهش‌هایی که پیرامون تاثیر جریان‌ات نقدی عملیاتی بر تصمیمات تامین مالی شرکت‌ها و نیز نقش تعدیلگر حاکمیت شرکتی در تقویت این رابطه انجام شده است، اما توجه کم‌تری به ارتباط داخلی بین جریان‌ات نقدی عملیاتی و پویایی ساختار سرمایه بهینه (با در نظر گرفتن نقش تعاملی حاکمیت شرکتی) شده است. در این پژوهش، اثر کیفیت حاکمیت شرکتی و جریان‌ات نقدی عملیاتی بر پویایی (سرعت تعدیل) ساختار سرمایه شرکت‌ها، سنجیده شده است. انتظار این است که جریان‌ات نقدی عملیاتی در شرکت‌های با ساختار حاکمیتی متفاوت، باعث ایجاد انگیزه شود تا کاستی‌های مدیریتی برطرف شود و ثروت سهامداران آن‌ها حداکثر گردد. متغیرهایی که به منظور برآورد موازنه بین رفتار اهرمی طراحی شده‌اند، باید بتوانند نسبت بدهی مورد انتظار هر شرکت را در طول زمان بسنجند و همچنین باید انحرافات موجود در طول زمان را سریعاً شناسایی کنند. بر این اساس، هر دو الزامات گفته شده در مدل تعدیل بخشی کاهش یافته^۱ استفاده شده است تا ضریب سرعت تعدیل^۲ یا پویایی ساختار سرمایه شرکت سنجیده شود.

احمدی و همکاران (۱۳۹۷)، تأثیر همزمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود با نقش میانجی ساختار سرمایه و عملکرد مالی را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها نشان

داد که حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به طور مستقیم و غیرمستقیم (از طریق متغیر میانجی عملکرد مالی) بر کیفیت سود، تأثیر مثبت معنادار دارند، اما از طریق متغیر میانجی ساختار سرمایه، به طور معناداری تأثیر منفی می گذارند. همچنین، یافته‌ها حاکی از این است که تأثیر مستقیم حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود، قوی تر از تأثیر غیرمستقیم آن است.

علی نژاد و سالاری (۱۳۹۷) تأثیر ساز و کارها حاکمیت شرکتی در به‌هنگام بودن اطلاعات سود را بررسی کردند. به‌هنگام بودن سود به‌عنوان یک ویژگی کیفی و نمادی از تغییر در ارزش بازار سهام و ساختار مالکیت (تمرکز مالکیت، مالکیت دولتی) و استقلال اعضای هیأت‌مدیره به‌عنوان ساز و کار حاکمیت شرکتی، در نظر گرفته شده است. نتایج پژوهش نشان داد تمرکز مالکیت، تأثیر مثبت و معناداری در به‌هنگام بودن سود دارد. به عبارتی، هرچه تمرکز در مالکیت افزایش یابد، سود حسابداری شرکت‌ها به‌هنگام تر است. همچنین، مالکیت دولتی، اثر منفی و معناداری در به‌هنگام بودن سود دارد، اما استقلال هیأت‌مدیره در به‌هنگام بودن سود، تأثیری ندارد.

تائبی نقندری و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی اثر حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصادی با توجه به تأثیر تعدیل‌گری اندازه شرکت پرداخته‌اند و نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که حاکمیت شرکتی و عملکرد اقتصادی دارای اثر مستقیم هستند و این رابطه توسط اندازه شرکت به‌عنوان متغیر تعدیل‌گر، تقویت می‌شود.

رامشه و همکاران (۱۳۹۵) بیان کردند که بر اساس نظریه توازن پویا، به‌دلیل وجود هزینه‌های انحراف از ساختار سرمایه و هدف و هزینه‌های تعدیل به‌سمت این ساختار، ساختار سرمایه شرکت‌ها لزوماً همواره منطبق با ساختار هدف، نیست. شرکت‌ها با در نظر گرفتن این هزینه‌ها، زمانی به تعدیل ساختار سرمایه اقدام می‌کنند، که مزایای این اقدام از هزینه‌های مربوطه آن بیشتر باشد. آنها در پژوهش خود به بررسی سرعت تعدیل ساختار سرمایه بر اساس پیش‌بینی تئوری‌های توازن و سلسله‌مراتبی، پرداختند. نتایج آنها نشان داد در شرکت‌هایی که اهرم واقعی بالاتر از اهرم هدف بوده و با کسری وجوه نقد مواجهند، سرعت تعدیل اهرم بیشتر خواهد بود. به‌علاوه شرکت‌هایی که سرعت تعدیل بالاتری دارند، سودآوری و فرصت‌های رشد بیشتری نیز دارند. به‌طور کلی یافته‌های پژوهش آنها، شواهدی در حمایت از تئوری توازن پویا فراهم

می‌کند. شوجی روسی باو و همکاران (۲۰۱۷)، تاثیر ساختار مالکیت و مدیریت سود در بازارهای نوظهور (دیدگاه نمایندگی نهادی) را بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که مالکیت کنترلی^۳ رابطه مثبتی با مدیریت سود دارد. آنها همچنین نشان دادند کیفیت قانونگذاری رابطه منفی بین مالکیت نهادی و مدیریت سود را تقویت می‌کند.

بصیل النجار و افرايم كلارك (۲۰۱۷)، در پژوهشی تحت عنوان حاکمیت شرکتی و سطح نگهداشت وجه نقد در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا، به بررسی تاثیر رویه‌های داخلی و خارجی حاکمیت شرکتی بر تصمیم‌گیری در مورد سطح نگهداشت وجه نقد در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا پرداختند. آنها دریافتند که هر دو نوع رویه‌های داخلی و خارجی حاکمیت شرکتی دارای اهمیت هستند و ارتباط منفی بین اندازه هیات مدیره و سطح نگهداشت وجه نقد را بر اساس شواهدی مبنی بر نگهداشت کم‌تر وجه نقد به منظور کاهش تضاد منافع گزارش نمودند. آن‌ها همچنین دریافتند که فعالیت‌های خارجی حاکمیت شرکتی در تصمیم‌گیری نگهداشت وجه نقد حائز اهمیت هستند. بر اساس نتایج آنها، شرکت‌های مستقر در کشورهایی با استانداردهای بین‌المللی مربوط به قوانین اوراق بهادار و نظارت‌های بانکی، وجه نقد کم‌تری نگهداری می‌نمایند و مالکان نهادی فرصت طلب بوده و هدفشان حداکثر کردن منافع شخصی‌شان می‌باشد.

در این پژوهش، بر اساس اصول حاکمیت شرکتی، شرکت‌ها به دو دسته شرکت‌های با ساختار حاکمیتی قوی و ضعیف تقسیم شد تا پویایی و سرعت تعدیلات اهرمی در هر دسته از شرکت‌ها، سنجیده شود. انتظار این است که در شرکت‌هایی با حاکمیت شرکتی قوی، پویایی سرعت تعدیلات، بیشتر از شرکت‌های با ساختار حاکمیتی ضعیف باشد. بنابراین، با توجه به مبانی نظری گفته شده ما در این پژوهش قصد داریم نقش برخی از ساز و کارهای حاکمیت شرکتی را در رابطه بین جریانات نقدی عملیاتی و پویایی ساختار سرمایه، به عنوان فرضیه‌های مطرح در این پژوهش مورد آزمون قرار دهیم.

با توجه به مبانی نظری ارائه شده، این پژوهش شامل فرضیه‌های زیر می‌باشد:

فرضیه اول: بین جریانات نقدی عملیاتی و ساختار سرمایه پویا رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین جریان‌های نقدی عملیاتی در شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی و ساختار سرمایه پویا رابطه معناداری وجود دارد.

روش پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از روش رگرسیون خطی چندمتغیره و برای تجزیه و تحلیل نهایی برای واکاوی داده‌ها از نرم‌افزار آماری ایویوز^۴ استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تشکیل می‌دهد و شامل شرکت‌هایی با این شرایط است:

شرکت‌های بررسی شده در این پژوهش جزو شرکت‌های صنایع واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری، لیزینگ و شرکت‌های بیمه نباشد؛ قبل از سال مالی ۱۳۸۸ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرش شده باشد؛ در سال‌های مالی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ تغییر فعالیت و یا تغییر سال مالی نداشته باشد؛ حداقل ۶ ماه از سال، بازده ماهانه داشته باشد و داده‌های مدنظر آنها در دسترس باشد. برای وجود یکنواختی میان شرکت‌های مدنظر، فقط شرکت‌هایی بررسی شده‌اند که پایان سال مالی آنها، ۲۹ اسفندماه بوده است. پس از اعمال محدودیت‌های بالا، تعداد ۹۴ شرکت در دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ برای بررسی انتخاب شدند.

برای آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیونی^۱ استفاده شد:

$$DYCS_{it} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 MtB_{it} + \beta_4 FIXASSET_{it} + \beta_5 EBIT_{it} + \beta_6 LEV_{it} + \beta_7 SG_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

و برای آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی^۲ استفاده شد:

$$DYCS_{it} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{it} + \beta_2 CORGOV_{it} + \beta_3 CFO_{it} * CORGOV_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MtB_{it} + \beta_6 FIXASSET_{it} + \beta_7 EBIT_{it} + \beta_8 LEV_{it} + \beta_9 SG_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

متغیر وابسته

در این پژوهش ساختار سرمایه پویا، متغیر وابسته در نظر گرفته شده است.

^۵ $DYCS_{it}$: پویایی ساختار سرمایه که از رابطه^۳ به دست می‌آید:

$$LEV_{i,t+1} - LEV_{i,t} = \beta_0 + \lambda (PLEV_{i,t+1} - LEV_{i,t}) + \varepsilon_{i,t+1} \quad (3)$$

$LEV_{i,t+1}^6$: اهرم شرکت در سال $t+1$ که از تقسیم بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام شرکت در سال $t+1$ به دست می‌آید.

$LEV_{i,t}$: اهرم شرکت در سال t که از تقسیم بدهی‌ها بر حقوق صاحبان سهام شرکت در سال t به دست می‌آید.

$PLEV_{i,t+1}^7$: اهرم پیش‌بینی شده شرکت در سال $t+1$ که از رابطه ۴ به دست می‌آید:

$$(PLEV_{i,t+1} = D_{i,t} / (D_{i,t} + S_{i,t} * P_{i,t}) \quad (4)$$

که در آن: $D_{i,t}$: بدهی‌های بهره‌دار شرکت در سال t ، $S_{i,t}$: تعداد سهام در دست عموم شرکت در سال t ، $P_{i,t}$: قیمت بازار هر سهم در سال t ، است. همچنین، λ : نشان‌دهنده سرعت تعدیلات اهرمی شرکت است که بیانگر پویایی ساختار سرمایه شرکت و متغیر وابسته فرضیات می‌باشد.

متغیرهای مستقل

CFO: از تقسیم جریان‌ات نقدی عملیاتی شرکت بر کل دارایی‌ها همدست می‌آید.

در این پژوهش برای برآورد حاکمیت شرکتی متغیرهای زیر منظور شد.

- اندازه هیئت مدیره

تعداد بهینه اعضای هیئت‌مدیره باید به گونه‌ای تعیین شود که نسبت به این موضوع که اعضای کافی برای پاسخگویی به وظایف هیئت‌مدیره و انجام وظایف مختلف هیئت‌مدیره وجود دارد، اطمینان خاطر حاصل شود؛ در این پژوهش منظور از اندازه هیئت‌مدیره، تعداد اعضای هیئت‌مدیره در هر یک از دوره‌های مالی می‌باشد. از منظر تئوری نمایندگی می‌توان استدلال کرد که هیئت‌مدیره بزرگ‌تر به احتمال قوی، نسبت به مشکلات نمایندگی هوشیار است، زیرا تعداد بیشتری از افراد کارهای مدیریت را تحت نظر قرار خواهند داد. وقتی هیئت مدیره‌ها بزرگ‌تر می‌شود، احتمال دارد که اعضای مستقل بیشتری با تخصص‌های ارزشمند را در برگیرد. پس از میانگین گرفتن از اندازه هیئت مدیره، اندازه‌های بالای میانگین را متغیر دامی یک و زیر میانگین را صفر اختصاص می‌دهیم.

- استقلال هیئت مدیره

میزان استقلال اعضای هیئت مدیره، یکی از عواملی است که بر کارایی هیئت مدیره می افزاید. در بسیاری از تحقیقات حسابداری برای کمی سازی این شاخص، از نسبت مدیران غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره استفاده شده است. در این پژوهش نیز استقلال هیئت مدیره از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر کل اعضای هیئت مدیره، در هر یک از دوره های مالی حاصل می شود. اعضای غیرموظف هیئت مدیره، کارشناسان خبره ای هستند که در کنترل و تصمیم گیری، عملکرد ماهرانه ای دارند. این افراد در شرکت مسئولیت اجرایی ندارند و حقوق ماهانه دریافت نمی کنند. در مطالعات بسیاری ثابت شده است حضور مدیران غیر اجرایی در هیئت مدیره، اثرهای مثبتی بر عملکرد و ارزش آفرینی شرکت ها می گذارد. پس از میانگین گرفتن از استقلال هیئت مدیره، اندازه های بالای میانگین را متغیر دامی یک و زیر میانگین را کد صفر اختصاص می دهیم.

- دوگانگی نقش مدیرعامل

اگر مدیرعامل شرکت، رئیس هیئت مدیره نیز باشد، به این وضعیت دوگانگی وظیفه مدیرعامل اطلاق می گردد و در این حالت مدیرعامل به طور بالقوه اختیار بیشتری دارد. ساختار دوگانه همچنین، به مدیرعامل اجازه می دهد تا اطلاعات در دسترس سایر اعضای هیئت مدیره را به طور مؤثری کنترل کند و بنابراین ممکن است از نظارت مؤثر جلوگیری به عمل آورد. در این پژوهش، برای اندازه گیری دوگانگی نقش مدیرعامل از متغیر دامی یک و صفر استفاده شد؛ بدین صورت که اگر مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره یا نایب رئیس هیئت مدیره شرکت شخص واحدی باشد، با ارزش صفر و اگر شخص واحدی نباشد، با ارزش یک اندازه گیری شود.

- اندازه کمیته حسابرسی

منظور از اندازه کمیته حسابرسی تعداد کارکنان کمیته حسابرسی شرکت است. پس از میانگین گرفتن از اندازه کمیته، اندازه های بالای میانگین را متغیر دامی یک و زیر میانگین را کد صفر اختصاص می دهیم.

- تمرکز مالکیت

تمرکز مالکیت به حالتی اطلاق می‌شود که میزان درخور ملاحظه‌ای از سهام شرکت به سهامداران عمده تعلق داشته باشد و نشان می‌دهد چند درصد سهام شرکت در دست عده‌ای محدودی قرار دارد. در این پژوهش، تمرکز مالکیت از مجموع درصد تملک سهامدارانی که حداقل ۵٪ سهام شرکت را در دست دارند، حاصل می‌شود. چنین سهامدارانی به واسطه تملک بالای سهام، به نوبه خود می‌توانند اداره شرکت را در دست گیرند. زمانی که تمرکز بالای مالکیت وجود دارد، امکان نظارت و کنترل بهتر بر عملکرد مدیریت شرکت فراهم می‌گردد. پس از میانگین گرفتن از درصد سهامداران عمده، درصد‌های بالای میانگین را متغیر دامی یک و زیر میانگین را کد صفر اختصاص می‌دهیم.

- درصد سهام سهامداران نهادی

سهامداران نهادی شامل شرکت‌های بیمه، بانک‌ها، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری و شرکت‌های سرمایه‌گذاری هستند. از دیدگاه نظری، سهامداران نهادی جایگاه ویژه‌ای در حاکمیت شرکتی دارند، زیرا آن‌ها می‌توانند بر مدیران شرکت نظارت داشته و هم منافع مدیران و سهامداران را هم سو کنند. از سوی دیگر، این تمرکز می‌تواند به دلیل دسترسی به اطلاعات محرمانه سبب پیدایش اطلاعات نامتقارن بین آنان و سهامداران خرد گردد. در پژوهش حاضر، مالکیت نهادی، از مجموع درصد سهام نگهداری شده توسط سهامداران نهادی حاصل می‌گردد. و پس از میانگین گرفتن از درصد سهامداران نهادی، درصد‌های بالای میانگین را متغیر دامی یک و زیر میانگین را کد صفر اختصاص می‌دهیم. با جمع کدهای محاسبه شده برای هر یک از شاخص‌های گفته شده می‌توان متغیر حاکمیت شرکتی را بصورت کمی درآورد. شرکتی که در همه شاخص‌ها کد یک اخذ کرده باشد، بالاترین سطح حاکمیت شرکتی را خواهد داشت و شرکتی که در همه شاخص‌ها کد صفر اخذ کند، پایین‌ترین سطح حاکمیت شرکتی را دارا خواهد بود.

برای متغیرهایی که به صورت نسبت یا درصد می‌باشند، پس از محاسبه این متغیرها برای هر شرکت، میانگینی برای هر متغیر از کل نمونه‌های مربوطه در طول دوره مورد بررسی تهیه می‌شود؛ اگر هر کدام از متغیرهای محاسبه شده برای هر شرکت در هر دوره از میانگین محاسبه

شده برای کل نمونه‌های مربوط به آن متغیر در تمام دوره‌ها بیشتر باشد، آن متغیر برابر با یک و در غیر این صورت برابر با صفر خواهد بود.

پس از مشخص شدن متغیرها، توانایی حاکمیت شرکتی به شرح ذیل محاسبه می‌گردد:

$$\text{GOVINDEX} = \sum di$$

در این رابطه di بیانگر کلیه اقلامی است که امتیاز یک گرفته‌اند. پس از محاسبه این شاخص، میانه متغیر حاکمیت شرکتی را محاسبه می‌کنیم و به سال / شرکت‌های بالای میانه کد یک و پایین‌تر از میانه کد صفر اختصاص می‌دهیم تا متغیر حاکمیت شرکتی به یک متغیر دو وجهیو تعاملی، تبدیل گردد.

متغیرهای کنترلی

SIZE اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم کل دارایی‌های شرکت، MtB ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری، $Fixasset$ دارایی‌های ثابت تقسیم بر کل دارایی‌ها، $EBIT$ سود عملیاتی شرکت در هر سال تقسیم بر کل دارایی‌ها، SG درصد رشد فروش، از مابه‌التفاوت فروش هر سال و فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل به دست می‌آید، LEV اهرم مالی، از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های شرکت به دست می‌آید. $\beta_0, \beta_1, \dots, \beta_n$: ضرایب آماری هستند و ε_{it} نشان‌دهنده خطای هر مدل یا باقیمانده می‌باشد.

در مدل اول ضریب β_1 و در مدل دوم ضریب β_3 بیانگر تأیید یا رد فرضیه‌ها خواهند بود.

تفسیر یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

روش آماری استفاده‌شده، روش رگرسیون با استفاده از داده‌های ترکیبی است. در داده‌های ترکیبی برای انتخاب بین داده‌های تابلویی و داده‌های تلفیقی از آزمون اف لیمر استفاده شد و براساس معنی‌داری کمتر از ۵ درصد این آزمون، روش داده‌های تابلویی انتخاب و برای انتخاب بین روش آثار ثابت و آثار تصادفی از آزمون هاسمن استفاده شد. نتیجه نهایی برای تمام فرضیه‌های پژوهش، استفاده از رگرسیون داده‌های تابلویی با آثار ثابت بود. برای بررسی

نرمال بودن باقیمانده‌ها از آزمون جارک بر استفاده شد. نتایج این آزمون نشان می‌دهد باقیمانده‌های الگوهای مد‌نظر، توزیع نرمال دارند. برای تشخیص وجود خودهمبستگی سریالی بین باقیمانده‌ها از آزمون دورین واتسون استفاده شد. معنی داری بالای ۵ درصد این آزمون، نشان‌دهنده نبود همبستگی بین باقیمانده‌ها است. برای بررسی همخطی از آزمون "عامل تورش واریانس" استفاده شد و در آن آماره تولرانس برای همه متغیرها بسیار نزدیک به ۱ بود که نبود همخطی بین اجزای اخلاص الگوها را نشان می‌دهد. برای بررسی وجود ناهمسانی واریانس بین باقیمانده‌ها از آزمون وایت استفاده شد که نتایج نشان‌دهنده این است که آماره وایت هر دو مدل رگرسیونی در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار است. در نتیجه فرضیه صفر مبنی بر عدم ناهمسانی واریانس بین داده‌های مدل، در سطح خطای ۰/۰۵ تأیید نمی‌شود و باید هنگام برآورد مدل رگرسیون از GLS، استفاده شود.

آمار توصیفی متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد هرگاه فاصله داده‌ها از میانگین زیاد باشد، واریانس آن زیاد می‌شود و طبعاً انحراف معیار که جذر واریانس است و میزان پراکندگی داده‌ها را نشان می‌دهد، زیاد می‌شود. چولگی اگر مثبت باشد یعنی پراکندگی داده‌ها در سمت راست زیاد است و اگر منفی باشد یعنی پراکندگی داده‌ها در سمت چپ زیاد است. به طور نمونه در مورد اندازه شرکت میانگین، میانه، انحراف معیار، کمینه، بیشینه، چولگی و کشیدگی به ترتیب برابر با ۶/۰۲، ۵/۹۰، ۰/۷۳، ۴/۳۹، ۸/۳۲، ۰/۸۰ و ۳/۶۵ است. با توجه به این که میانگین اندازه شرکت بیشتر از میانه اندازه شرکت است، توزیع اندازه شرکت در این نمونه آماری چوله به راست است و این موضوع را در علامت مثبت چولگی نیز می‌توان مشاهده کرد. در مورد متغیر وابسته پژوهش (ساختار سرمایه پویا) نتایج نشان می‌دهد، میانگین این متغیر ۰/۰۰۱- است که نشان می‌دهد بیشتر داده‌های مربوط به این متغیرها پیرامون این نقطه تمرکز یافته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد حدود یک هزارم از ساختار سرمایه آتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، قابلیت پیش‌بینی دارند و پویا هستند. منفی بودن علامت این متغیر هم نشان می‌دهد که پیش‌بینی وجود اهرم مالی در ساختار سرمایه توسط سرمایه‌گذاران کمتر از وجود اهرم مالی در ساختار سرمایه واقعی شرکت‌ها است. میانه این متغیر هم برابر ۰/۰۰۶- است و نشان می‌دهد نیمی از داده‌ها کمتر از این مقدار و نیمی دیگر بیشتر از این مقدار هستند. همچنین، نتایج نشان می‌دهد میانگین متغیر مستقل جریان‌ات نقدی عملیاتی ۰/۱۱ و به طور

متوسط، جریانات نقدی عملیاتی شرکت یازده درصد دارایی شرکت‌ها است. در حالیکه بیشترین مقدار این متغیر ۰/۳۵ و کمترین مقدار ۰/۰۶- است، که نشان می‌دهد پایین‌ترین مقدار جریانات نقدی عملیاتی مربوط به شرکتی بوده است که جریانات نقدی خروجی آن بیشتر از جریانات نقدی ورودی بوده و خالص جریانات نقدی آن شش درصد دارایی‌ها بوده است.

نگاره (۱): نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فرضیه اول

DYCS _{it} = β ₀ + β ₁ CFO _{it} + β ₂ SIZE _{it} + β ₃ MtB _{it} + β ₄ FIXASSET _{it} + β ₅ EBIT _{it} + β ₆ LEV _{it} + β ₇ SG _{it} + ε _{it}						
نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	آماره t	سطح معنی داری	VIF	
عدد ثابت	β ₀	-۰/۰۰۹	-۰/۲۶	۰/۷۹	—	
جریانات نقدی عملیاتی	CFO	β ₁	۰/۰۴	۰/۰۰	۱/۵۵	
سود عملیاتی	EBIT	β ₂	-۰/۰۰۲	۰/۳۶	۱/۷۹	
دارایی‌های ثابت	FIXED	β ₃	-۰/۰۰۲	۰/۳۴	۱/۰۴	
اهرم مالی	LEV	β ₄	-۰/۰۰۲	۰/۰۰	۱/۱۵	
ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	β ₅	-۰/۰۰۴	۰/۰۰	۱/۰۱	
رشد فروش	SG	β ₆	-۰/۰۰۱	۰/۰۰	۱/۰۵	
اندازه شرکت	SIZE	β ₇	۰/۰۰۶	۰/۰۲	۱/۰۵	
ضریب تعیین		۰/۲۴	آماره F (معنی داری)			(۳۲/۱۷) (۰۰ .)
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۲۲	آماره دوربین واتسون			۱/۹۸۹
آماره وایت (معنی داری)		۷۴/۶۲ (۰/۰۰)	(آماره جارک- برا (معنی داری)			۴/۳۵ (۰/۱۱)
تعداد مشاهدات		۷۵۲	آماره χ ²			۱۴/۵۶۵۰ (۰/۰۲)

مقدار آماره F (۳۲/۱۷) حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون است. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مدل فوق به ترتیب برابر با ۰/۲۴ و ۰/۲۲ است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در معادله رگرسیونی مزبور، تنها حدود ۰/۲۲ از ساختار سرمایه پویا در شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترلی مزبور تبیین می‌شوند. در این نگاره اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب، نشان‌دهنده میزان تأثیر مثبت (منفی) هر یک از متغیرها بر ساختار سرمایه پویا، است.

نگاره (۲): نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فرضیه دوم

$DYCS_{it} = \beta_0 + \beta_1 CFO_{it} + \beta_2 CORGOV_{it} + \beta_3 CFO_{it} * CORGOV_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 MtB_{it} + \beta_6 FIXASSET_{it} + \beta_7 EBIT_{it} + \beta_8 LEV_{it} + \beta_9 SG_{it} + \varepsilon_{it}$					
نام متغیر	ضریب متغیر	مقدار ضریب	t آماره	سطح معنی داری	
عدد ثابت	β_0	-۰/۰۲	-۰/۵۹	۰/۵۵	—
جریان نقدی عملیاتی	CFO	β_1	۲/۰۲	۰/۰۴	۳/۳۸
حاکمیت شرکتی	CG	β_2	۲/۳۳	۰/۰۰	۱/۷۲
جریان نقدی عملیاتی در شرکت‌های دارای	CFO*CG	β_3	۲/۹۹	۰/۰۰	۳/۷۶
سود عملیاتی	EBIT	β_4	۱/۱۰	۰/۳۲	۱/۸۱
دارایی‌های ثابت	FIXED	β_5	-۱/۱۱	۰/۳۱	۱/۰۵
اهرم مالی	LEV	β_6	-۲/۳۳	۰/۰۰	۱/۱۵
ارزش بازار به ارزش دفتری	MTB	β_7	-۲/۳۷	۰/۰۰	۱/۰۱
رشد فروش	SG	β_8	-۲/۹۰	۰/۰۰	۱/۰۵
اندازه شرکت	SIZE	β_9	۲/۱۳	۰/۰۲	۱/۰۶
ضریب تعیین	۰/۲۴	آماره F (معنی داری)		۳۱/۹۶ (۰/۰۰)	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۲۲	آماره دورین واتسون		۱/۹۹۴	
(آماره وایت (معنی داری)	۵۸/۲۴ (۰/۰۰)	(آماره جارک-برا (معنی داری)		۳/۵۳ (۰/۲۳)	
تعداد مشاهدات	۷۵۲	آماره χ^2		۱۴/۵۶۰۹ (۰/۰۴)	

مقدار آماره F (۳۱/۹۶) حاکی از معناداری کل مدل رگرسیون است. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده مدل فوق به ترتیب برابر با ۰/۲۴ و ۰/۲۲ است. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در معادله رگرسیونی مزبور، تنها حدود ۰/۲۲ از ساختار سرمایه پویا در شرکت‌های مورد بررسی توسط متغیرهای مستقل و کنترل مزبور تبیین می‌شوند. در این نگاره اعداد مثبت (منفی) در ستون مقدار ضریب نشان‌دهنده میزان تأثیر مثبت (منفی) هر یک از متغیرها بر ساختار سرمایه پویا است.

نتیجه گیری

فرضیه اول: برای تأیید یا رد این فرضیه با توجه به نگاره نتایج حاصل از برازش معادله رگرسیون فرضیه اصلی اول، مقدار آماره F بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیون است. همچنین، قدر مطلق آماره t مربوط به این متغیر بزرگتر از نقاط بحرانی t با همان درجه آزادی است. بنابراین، با رد فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ و تأیید فرضیه H_1 ، می توان گفت که فرضیه: " بین جریانات نقدی عملیاتی و ساختار سرمایه پویا ارتباط معناداری وجود دارد. " تأیید می گردد و با توجه به علامت ضریب متغیر حاکمیت شرکتی می توان گفت این رابطه به صورت مستقیم و معنی دار است.

این نتیجه نشان می دهد شرکت هایی که جریانات نقدی عملیاتی بالایی دارند ساختار سرمایه پویا بالاتری را تجربه می کنند. جریانات نقدی عملیاتی، وجوه نقدی هستند که شرکت ها با استفاده از عملیات اصلی و مرکزی خود بدست آورده اند و می توانند از آن به عنوان یک منبع داخلی تامین مالی برای برطرف نمودن نیازهای مالی خود استفاده کنند. زمانی که جریانات نقدی عملیاتی شرکتی بالا باشد سرمایه گذاران می توانند ساختار سرمایه آتی شرکت را راحت تر پیش بینی کنند. پیش بینی ساختار سرمایه آتی باعث می شود پویایی ساختار سرمایه آن شرکت بالاتر رود و بدین ترتیب فعالان بازار سرمایه اعم از سرمایه گذاران بالقوه و بالفعل و اعتباردهندگان، روندهای آتی ساختار مالی شرکت را دقیق تر رصد نموده و تصمیمات سرمایه گذاری و اعتباردهی درستی اتخاذ کنند. از طرفی طبق نظریه های مالی، عدم تقارن اطلاعاتی امکان دسترسی انحصاری مدیران به بخشی از اطلاعات محرمانه شرکت را می دهد. مدیران ممکن است از این اطلاعات محرمانه در جهت منافع شخصی خود استفاده کنند و ریسک سرمایه گذاری شرکت را برای سرمایه گذاران افزایش دهند. اصول حاکمیت شرکتی می تواند به عنوان مانعی برای مدیران باشد تا نتوانند از اطلاعات محرمانه ای که در اختیار دارند در جهت منافع شخصی، استفاده نمایند.

فرضیه دوم: برای تأیید یا رد این فرضیه با توجه به نگاره نتایج حاصل از پردازش معادله رگرسیون فرضیه اصلی دوم، مقدار آماره F بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیون است. و قدر مطلق آماره t مربوط به این متغیر، بزرگتر از نقاط بحرانی t با همان درجه آزادی است. بنابراین، با رد فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ و تأیید فرضیه H_1 ، می توان گفت که فرضیه: " بین

جریانات نقدی عملیاتی در شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی و ساختار سرمایه پویا ارتباط معناداری وجود دارد" تأیید می‌گردد.

وجود رابطه مثبت و معنی‌دار بین جریانات نقدی عملیاتی در شرکت‌های دارای حاکمیت شرکتی قوی و ساختار سرمایه پویا نشان می‌دهد رعایت اصول حاکمیت شرکتی در ایران اثربخش هستند و نتیجه این فرضیه هم تأییدی بر این موضوع هست که در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی، ساختار سرمایه آتی برای سرمایه‌گذاران پویایی و قابلیت پیش‌بینی بالاتری دارد که ما نیز انتظار چنین نتیجه‌ای را داشتیم. وجود و رعایت اصول حاکمیت شرکتی باید منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و به دنبال آن پیش‌بینی بهتر ساختار سرمایه آتی شرکت‌ها گردد. این موضوع در تحلیل نتیجه فرضیه دوم هم تأیید می‌شود. وجود رابطه مثبت و معنی‌دار حاکمیت شرکتی و ساختار سرمایه پویا باعث شده که تعامل دو متغیر جریانات نقدی عملیاتی و حاکمیت شرکتی هم رابطه مثبت و معنی‌داری با پویایی ساختار سرمایه داشته باشد.

پیشنهادات

به سرمایه‌گذاران بالقوه توصیه می‌شود در انتخاب سبد سرمایه‌گذاری خود به این نکته توجه نمایند و بدانند که جریانات نقدی عملیاتی نقطه قوت مالی یک شرکت به حساب می‌آید و می‌تواند در پیش‌بینی ساختار سرمایه آتی شرکت‌ها به آنها کمک کند و همچنین بدانند که اصول قوی حاکمیت شرکتی در شرکت‌های بورسی ایران باعث افزایش پویایی ساختار سرمایه می‌گردد. بنابراین، اگر سرمایه‌گذاران ریسک‌گریز هستند حتماً شرکت‌هایی را برای سرمایه‌گذاری انتخاب کنند که جریانات نقدی عملیاتی بیشتر و حاکمیت شرکتی قوی دارند. به مدیران شرکت‌ها نیز توصیه می‌گردد از اصول حاکمیت شرکتی بیشتر استقبال کنند، زیرا این اصول به نفع شرکت است و پویایی ساختار سرمایه را افزایش می‌دهند.

پی‌نوشت

- | | |
|-----------------------------------------|---------------------------------------|
| ۱ Reduced-Form Partial Adjustment Model | ۲ Coefficient Of The Adjustment Speed |
| ۳ Controlling Ownership | ۴ Eviews |
| ۵ Dynamic capital structure | ۶ Leverage |
| ۷ Predicted leverage | |

منابع

- Alinejadsaroukalaee, M. , Salarisardoie, S. (2019). The Impact of Corporate Governance Mechanisms on the Earning Timeliness. *Journal of Asset Management and Financing*, 7 (3) , 59-70.(In Persian)
- Al-Najjar, B. , & Clark, E. (2017). Corporate governance and cash holdings in MENA: Evidence from internal and external governance practices. *Research in International Business and Finance*, 39, 1-12.
- Aybar-Arias, C. , Casino-Martinez, A. and Lopez-Gracia, J. (2012). On the adjustment speed of SMEs to their optimal capital structure. *Small Business Economics*, 39, 977–996
- Heyman, D. , Deloof, M. and Ooghe, H. (2008). The Financial Structure of Private Held Belgian Firms. *Small Business Economics*, 30, 301–313.
- Palacin-Sánchez, M. , Ramirez-Herrera, L. and Di Pietro, F. (2013). Capital structure of SMEs in Spanish regions. *Small Business Economics*, 41, 503-519.
- Ramazan Ahmadi, M. , Abdolmajid Ahangari, A. , Hajeb, H. (2019). Investigating the Simultaneous Effect of Corporate Governance and Audit Quality on Earnings Quality with the Mediating Role of Capital Structure and Financial Performance. *Journal of Asset Management and Financing*, 7 (1) , 83-102.(In Persian)
- Ramesheh, M. , Soleimani amiri, G. (2016). Speed of Adjustment to Target Capital Structure based on Interaction between Trade-off and Pecking order Theories in TSE. *Empirical Research in Accounting*, 6 (2) , 161-186.(In Persian)
- Shuji Rosey Bao; Krista B. Lewellyn. (2017). Ownership structure and earnings management in emerging markets—An institutionalized agency perspective. *International Business Review*, 26 (5) , 828-838
- Taebi Noghondari (Ph. D) , A. , Taebi Noghondari, A. , Abbaszadeh, M. (2017). Moderating Effect of Firm Size on Relationship between Corporate Governance and Corporate Economic Performance. *Journal of Knowledge Accounting*, 8 (1) , 155-182.(In Persian)